

(الأول) فجائية

إذا على وجهين

الثاني أن تكون لغیر المفاجأة

نوع و بناء اذا (از النحو الوافي ج 2 ص 260)

این قسم از اذا اسم است به دو دلیل

خبر واقع شدن مانند القيام اذا طلعت الشمس

بدل واقع شدن مانند: جتتك غذا اذا طلعت الشمس

اذا مبنی است زیرا

اگر معنای شرطیه را دارا باشد: به خاطر تضمن معنای إن شرطیه

اگر معنای شرطیه را دارا نباشد: به دلیل افتقار به جمله بعدهش به عنوان مضاف الیه

دو نحوه استعمال اذای غیر فجائیه

استعمال غالبی: دارای سه ویژگی

و الغالب أن تكون

ظرفاً

للمستقبل

مضمّنة معنی الشرط

استعمال غیر غالبی: در صورت نداشتن یکی از ویژگی های فوق که بحثش در ضمن تنبیه خواهد آمد

و تختص بالدخول على الجملة الفعلية عكس الفجائية

خصوصیات اذای غیر فجائیه

و يكون الفعل بعدها

و مضارعاً دون ذلك

كما تقدم و قال أمير المؤمنين (عليه السلام) إذا سألت فاسأل تفقها و لا تسأل تعنتا

(كقول العباس بن مرداس في مدح رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يا خير من ركب المطي و من مشى فوق التراب إذا تعد الأنفوس

ای بهترین کسی که بر اسبهای تندرو سوار است، و ای برترین کسی که بر زمین قدم برمی دارد، زمانی که شمارش گردیده شود نفوس بشر

و قد اجتمعا في قول أبي ذؤيب و النفس راغبة إذا رعبتها \* و إذا ترد إلى قليل تقنع

نفس انسان میل پیدا می کند اگر او را میل دهی، و اگر زمانی او را به قلیل عادت دهی قانع می گردد  
دما مبنی ص 351: چون احتمال رغبت به دنیا زیاد است و اسبابش قوی است از فعل ماضی استفاده نموده و جواب را نیز به صورت اسمیه آورده تا ثبوت اثر ترغیب را برساند اما عادت نفس به کم چون بعیدتر است از مضارع استفاده نموده است

و إنما دخلت الشرطية على الاسم

في نحو

قوله تعالى: إذا السماء (انشققت) الانشقاق/١

دسوقی ص 242: جواب شرط به قرینه چند آیه بعد (یا ایها الانسان انك كادح الی ربك كدحا فملاقيه) حذف شده: إذا السماء انشقت لاقی الانسان كدحه (یعنی زحمتش یا نامه اعمالش؛ علامه در المیزان: جواب مقدر: لاقی الانسان ربه فحاسبه و جازه على ما عمل

و قول خزيمه بن ثابت إذا نحن بايعنا علياً فحسبنا أبو حسن ممّا تخاف من الفتن

هنگامی که ما با علی بیعت کردیم پس کافی است ما را ابوحسن از آنچه ترسیده میشود از فتنه ها

لأنه فاعل بفعل محذوف على شريطة التفسير، لا مبتدأ، خلافاً للأخفش

مصباح العنبر ماده شرط: الشريطة في معنى الشرط و جمعها شرائط

دما مبنی ص 352: ظاهر عبارت این است که اخفش فقط قائل به مبتدا بودن است در حالی که اخفش جائز الوجهین می داند: فاعل برای فعل محذوف، مبتدا

ص: فایده، جوازم از حیث عمل

فقط جازم یک فعل، مانند: لم

جازم دو فعل مطلقاً، مانند: إن

جزم دادن فقط در ضرورت شعری، مانند: كيف، لو، اذا

و لا تعمل إذا الجزم إلا في الضرورة

عمل اذای غیر فجائیه

نکه از رضی ج 3 ص 187: اذا به دلیل اینکه دلالت بر تحقق وقوع مابعدش می کند معنای إن در او رسوخ نکرده فلذا جزم نمی دهد مگر در ضرورت شعری

كقول أعشى همدان و إذا تُصيبك من الحوادث نكبة \* فاصبر، فكل مصيبة ستكشف

اگر زمانی اصابت کرد تو را از حوادث روزگار مصیبتی، باید صبر کنی، زیرا هر مصیبتی بزودی برطرف خواهد شد

تنبيه. قيل: قد تخرج عن كل من الظرفية و الاستقبال و معنى الشرط

استعمال غیر غالبی

مسألة في ناصب إذا الشرطية مذهبان

عامل اذا